

پیش بینی کیفیت روابط زوجین بر اساس هوش هیجانی با نقش میانجی حل

مسئله ([dor:۱۰۰۱۰۰۱.۲۰۲۲۴۰۶۵۸۰۱.۱۴۰۳.۱.۱.۵۶۹.۰](https://dorl.net/dor/۱۰۰۱۰۰۱/۲۰۲۲۴۰۶۵۸۰۱/۱۴۰۳/۱/۱/۵۶۹/۰))

جعفر هوشیاری^۱، فاطمه فروزان نژاد^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی کیفیت روابط زوجین بر اساس هوش هیجانی با نقش میانجی حل مسئله بود. نمونه تحقیق شامل ۱۴۰ نفر بود که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های کیفیت روابط زناشویی باسبی و همکاران (۱۹۹۵)، هوش هیجانی شات و همکاران (۱۹۹۸) و حل مسئله کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) استفاده شد. تحلیل داده ها با روش همبستگی و رگرسیون در نرم افزار SPSS-۲۴ انجام شد. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین و همچنین بین راهبردهای حل مسئله و کیفیت روابط زوجین همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/01$). علاوه بر این، نتایج نشان دادند که راهبردهای حل مسئله به طور معناداری رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین را میانجی گری می کنند ($P < 0/01$). این یافته ها نشان می دهند که سطح بالاتر هوش هیجانی و استفاده از راهبردهای مؤثر در حل مسئله می تواند به بهبود کیفیت روابط زوجین کمک کند. این مطالعه بر اهمیت منابع هیجانی و شناختی در بهبود کیفیت روابط زوجین تأکید می کند و لزوم بررسی بیشتر این متغیرها در مشاوره و درمان های زوجین را مورد توجه قرار می دهد.

واژگان کلیدی: کیفیت روابط زوجین؛ هوش هیجانی؛ حل مسئله.

^۱ استادیار روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی، قم، ایران j.houshyari@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران fateme2020fn@gmail.com

مقدمه

روابط صمیمانه نقش حیاتی در سلامت روانی و جسمانی افراد دارند. روابط کارآمد، که با شادی و رضایت همراه هستند، با سلامت روانی بهتر و طول عمر بیشتر مرتبط‌اند، در حالی که روابط ناکارآمد می‌توانند منجر به افزایش استرس و علائم افسردگی شوند (اولوآ و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت روابط زوجین^۱ شامل سه بعد اصلی است: توافق، رضایت، و انسجام. توافق به فراوانی بالای توافق بین زوجین اشاره دارد؛ رضایت شامل کاهش بحث‌های مربوط به جدایی و افزایش اعتماد متقابل و افکار مثبت درباره رابطه است؛ و انسجام حس پیوستگی و فراوانی فعالیت‌های مشترک بین زوجین را در بر می‌گیرد (سیدو و همکاران، ۲۰۱۹). شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت روابط زوجین یکی از موضوعات کلیدی در حوزه روان‌شناسی و مشاوره خانوادگی است.

هوش هیجانی^۲ یکی از مؤلفه‌های اصلی در روابط بین‌فردی محسوب می‌شود که تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت روابط زوجین دارد. این توانایی به افراد کمک می‌کند که احساسات خود و شریک زندگی‌شان را بهتر درک کرده و به نیازهای عاطفی پاسخ مؤثرتری بدهند. تحقیقات نشان داده است که زوج‌هایی با هوش هیجانی بالا صمیمیت، تعهد، و رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند و احتمال بروز تعارضات در این روابط کمتر است (براکت و همکاران، ۲۰۰۵؛ شوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸). علاوه بر این، هوش هیجانی با الگوهای ارتباطی سالم‌تر و اجتناب کمتر از مشکلات رابطه مرتبط است. این مهارت به افراد امکان می‌دهد هماهنگی بیشتری با احساسات شریک زندگی خود داشته باشند و تجربیات عاطفی را بهتر درک کنند، که این امر به بهبود استراتژی‌های بیان عاطفی و ارتباطی منجر می‌شود (پولاک و همکاران، ۲۰۱۷). برای مثال، پژوهش نعمتی جهان و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که هوش هیجانی می‌تواند رضایت از زندگی را در بین زوجین پیش‌بینی کند. همچنین، هادیان و امینی (۱۳۹۸) رابطه معکوس و معناداری بین هوش هیجانی و دلزدگی زناشویی یافتند.

حل مسئله^۳ نیز به‌عنوان یک مهارت کلیدی در کیفیت روابط زوجین شناخته می‌شود. این مهارت ترکیبی از جنبه‌های شناختی و هیجانی است که شامل شناسایی راه‌حل‌های مؤثر، انتخاب بهترین گزینه، و تصمیم‌گیری کارآمد می‌شود (دنگ و همکاران، ۲۰۲۳). اگرچه مشکلات در رابطه بین زوجین می‌توانند کیفیت آن را کاهش دهند، زوج‌هایی که مهارت‌های حل مسئله مؤثری دارند، معمولاً کیفیت رابطه بهتری تجربه می‌کنند. این اثر مثبت به رویکرد زوجین در حل مسئله، از جمله استفاده از مهارت‌های ارتباطی مؤثر، و استراتژی‌های مقابله‌ای مشترک (مثل نگاه به مشکل به‌عنوان یک مسئله «ما» و حمایت متقابل) بستگی دارد. چنین رویکردهایی با افزایش رضایت و اعتماد و کاهش تعارضات همراه هستند (لیهی و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های حل مسئله تأثیر چشم‌گیری بر بهبود کیفیت رابطه و کاهش تعارضات زوجین دارد (ابوالقاسمی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۹).

تعارض‌های بین‌فردی بخش اجتناب‌ناپذیری از روابط زوجین هستند که اغلب با واکنش‌های هیجانی همراه می‌شوند. در چنین موقعیت‌هایی، توانایی مدیریت احساسات و استفاده مؤثر از آن‌ها برای حفظ آرامش و حل تعارضات، اهمیت بسیاری دارد. هوش هیجانی به‌عنوان یک مهارت کلیدی، افراد را قادر می‌سازد تا احساسات خود و شریک زندگی‌شان را بهتر درک کرده و از این آگاهی برای مدیریت تعارضات به شیوه‌ای سازنده استفاده کنند. به عبارت دیگر، هوش هیجانی می‌تواند به افراد کمک کند تا در طول تعارضات، رفتارهای غیرسازنده را کاهش داده و به جای آن از استراتژی‌های مؤثرتر برای حل مسائل استفاده کنند (آلونسو

^۱ Relationship quality of couples

^۲ Emotional intelligence

^۳ Problem solving

فرس و همکاران، ۲۰۱۹). شواهد پژوهشی نیز نشان داده‌اند که هوش هیجانی نه تنها با کیفیت روابط زناشویی مرتبط است، بلکه می‌تواند به طور قابل توجهی به بهبود فرایندهای حل مسئله کمک کند (کوهنوردلپوندانی، ۱۳۹۷).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه ارتباط هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین، نقش میانجی حل مسئله در این رابطه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی این است که آیا حل مسئله می‌تواند به عنوان یک واسطه عمل کند و توضیح دهد که چگونه هوش هیجانی ممکن است با کیفیت روابط زناشویی مرتبط باشد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به درک عمیق‌تری از این مکانیسم‌ها کمک کرده و مسیرهایی برای طراحی مداخلات مؤثر در حوزه مشاوره و آموزش زوجین فراهم کند. همچنین، این پژوهش بر اهمیت توجه به منابع هیجانی و شناختی در بهبود و تقویت روابط زوجین تأکید دارد و به ارائه راهکارهایی برای تقویت پایداری و در زندگی مشترک می‌پردازد.

روش پژوهش :

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مقطعی بود که در سال ۱۴۰۳ روی جمعیت زوج‌های ۲۰ تا ۶۵ ساله انجام شد. حجم نمونه مورد نیاز با استفاده از روش برآورد تاباچنیک و فیدل (۲۰۱۳)، ۱۳۸ نفر محاسبه شد، اما برای اطمینان از نتایج، حجم نمونه به ۱۴۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های کیفیت روابط زناشویی، هوش هیجانی و حل مسئله به صورت لینک آنلاین در پلتفرم پرسلاین طراحی شدند و از طریق گروه‌های مجازی در تلگرام، ایتا، و واتساپ در اختیار قرار گرفتند. این پرسشنامه‌ها دارای روایی و پایایی تأییدشده در مطالعات پیشین بودند. شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و با تمایل خود به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. در این پژوهش، اصول اخلاقی شامل حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی، عدم فریبکاری و اطمینان از عدم آسیب به شرکت‌کنندگان به طور کامل رعایت شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شدند. برای بررسی روابط بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی متغیرها از تحلیل، از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی بر اساس روش چهار مرحله‌ای بارون و کنی (۱۹۸۶) بهره گرفته شد.

پرسشنامه کیفیت روابط زناشویی: این پرسشنامه توسط باسبی و همکاران در سال (۱۹۹۵) ساخته شد. این مقیاس ۱۴ گویه و ۳ خرده مقیاس (توافق، رضایت، انسجام) دارد و نمره گذاری آن براساس طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای (۰ تا ۵) است. پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ در مطالعه هولیست، کودی و میلر (۲۰۰۵) برای سه خرده مقیاس توافق، رضایت، انسجام به ترتیب از ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۹۰ گزارش شده است.

پرسشنامه هوش هیجانی (SSRI): این پرسشنامه توسط شات و همکاران در سال (۱۹۹۸) براساس الگوی اولیه هوش هیجانی مایر و سالووی، (۱۹۹۰) ساخته شد. این مقیاس ۳۳ گویه و سه خرده مقیاس (تنظیم هیجان، ارزیابی از هیجان و بهره برداری از هیجان) دارد. این پرسشنامه در پژوهش اصغری (۱۳۹۳) اعتباریابی شده است. شیوه نمره گذاری به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای می‌باشد.

پرسشنامه حل مسئله: این پرسشنامه توسط کسیدی و لانگ در سال (۱۹۹۶) ساخته شد. این مقیاس ۲۴ گویه و ۶ خرده مقیاس (راهبرد خلاقیت، اعتماد در حل مسئله، راهبرد گرایش، عامل درماندگی، عامل مهار گری و راهبرد اجتناب) دارد. در این آزمون برای گزینه بله نمره یک و برای گزینه خیر و نمی‌دانم نمره صفر تعلق می‌گیرد. سازگاری درونی عوامل درماندگی، مهارگری، اجتناب، اعتماد، گرایش و خلاقیت به ترتیب شامل ۰/۸۶، ۰/۶۶، ۰/۷۱، ۰/۵۲ و ۰/۶۵ می‌باشد (کسیدی و برناید، ۱۹۹۶).

نتایج

۸۵/۶ درصد از پاسخ‌گویان، زن و ۱۴/۴ درصد نفر مرد بوده‌اند. سن ۱۸ درصد پاسخ‌گویان ۳۵ سال یا کمتر بوده است. ۲۲/۹ درصد در بازه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال بوده‌اند. ۱۸/۸ درصد در بازه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال بوده‌اند. سن ۱۶/۷ درصد پاسخ‌گویان در بازه ۴۶ تا ۵۰ سال قرار دارد. افراد با سن بین ۵۱ تا ۵۵ سال، ۱۱/۸ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. ۱۱/۸ درصد نمونه نیز متعلق به افرادی است که سن آنها بیشتر از ۵۵ سال بوده است. تحصیلات ۵/۲ درصد پاسخ‌گویان در حد زیردیپلم بوده است. ۲۷/۵ درصد دارای تحصیلات دیپلم بوده‌اند. ۳۵/۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری، ۲۴/۸ درصد از کل نمونه پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. ۶/۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند که دارای تحصیلات حوزوی هستند.

در جدول ۱ آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱- آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	کیفیت روابط زوجین	راهبردهای حل مسئله	هوش هیجانی
کیفیت روابط زوجین	۴۵/۲	۱۴/۹۷	-۰/۸۸۷	۰/۴۷۱	۱		
راهبردهای حل مسئله	۱۷/۳	۴/۵۱	-۰/۷۸۴	-۰/۰۷۱	۰/۳۳۳**	۱	
هوش هیجانی	۱۳۰/۸	۱۵/۳۶	-۰/۳۰۹	-۰/۰۹۲	۰/۲۱۳**	۰/۳۷۰**	۱

$P \leq ۰/۰۱^{**}$

میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. میزان کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق بین ۲- و ۲+ است بنابراین می‌توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن است.

ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین مثبت و معنی‌دار است ($r = ۰/۲۱۳$). بنابراین اولین فرضیه فرعی تحقیق تأیید شد.

ضریب همبستگی هوش هیجانی و راهبردهای حل مسئله مثبت و معنی‌دار است ($r = ۰/۳۷۰$). بنابراین دومین فرضیه فرعی تحقیق تأیید شد.

ضریب همبستگی بین کیفیت روابط زوجین و راهبردهای حل مسئله مثبت و معنی‌دار است ($r = ۰/۳۳۳$). بنابراین سومین فرضیه فرعی تحقیق تأیید شد.

به منظور بررسی نقش میانجی راهبردهای حل مسئله در رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین از روش چهار مرحله‌ای بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شده است. بر اساس این روش در صورتی که ارتباط بین متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) و ملاک (کیفیت روابط زوجین) و ارتباط بین متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) و میانجی (راهبردهای حل مسئله) و ارتباط بین متغیر میانجی (راهبردهای حل مسئله) و ملاک (کیفیت روابط زوجین) معنی‌دار باشد و با ورود متغیر میانجی به مدل، ضریب رگرسیون متغیر پیش‌بین غیرمعنی‌دار شود، می‌توان نقش واسطه‌ای کامل متغیر میانجی را نتیجه گرفت. اما در صورتی که با

ورود متغیر میانجی به مدل، ضریب رگرسیون متغیر پیش‌بین معنی‌دار باقی بماند اما مقدار این ضریب کاهش یابد، می‌توان نقش واسطه‌ای جزئی متغیر میانجی را نتیجه گرفت.

جدول ۲- نتایج رگرسیون‌ها برای بررسی نقش میانجی راهبردهای حل مسئله در رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت روابط

زوجین				
متغیر ملاک	متغیر(های) پیش‌بین	ضریب بتا	t	سطح معنی‌داری
کیفیت روابط زوجین	هوش هیجانی	۰/۲۱۳	۲/۶۷۲	۰/۰۰۸
راهبردهای حل مسئله	هوش هیجانی	۰/۳۷۰	۴/۸۷۴	۰/۰۰۰
کیفیت روابط زوجین	راهبردهای حل مسئله	۰/۳۳۳	۴/۳۲۱	۰/۰۰۰
کیفیت روابط زوجین	هوش هیجانی	۰/۱۰۴	۱/۲۶۲	۰/۲۰۹
	راهبردهای حل مسئله	۰/۲۹۴	۳/۵۵۶	۰/۰۰۱

- بین متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) و متغیر ملاک (کیفیت روابط زوجین) رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر میانجی (راهبردهای حل مسئله) و متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر ملاک (کیفیت روابط زوجین) و متغیر میانجی (راهبردهای حل مسئله) رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.
- با در نظر گرفتن متغیر راهبردهای حل مسئله به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین متغیرهای هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین، معنی‌داری ارتباط بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین از بین رفته است؛ بنابراین می‌توان گفت متغیر راهبردهای حل مسئله توانسته است به صورت کامل در رابطه بین دو متغیر هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین به عنوان متغیر میانجی، نقش داشته باشد. لذا فرضیه اصلی تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی کیفیت روابط زوجین بر اساس هوش هیجانی با تعیین نقش میانجی حل مسئله انجام شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که هوش هیجانی به‌طور مستقیم و معناداری با کیفیت روابط زوجین مرتبط است. این نتیجه با پژوهش‌های پیشین، از جمله مطالعه پارسویی حقیقی (۱۳۹۷)، شرودر-آبه و شوتر (۲۰۱۱) هم‌سو است. هوش هیجانی نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط زوجین ایفا می‌کند، زیرا باعث افزایش آگاهی هیجانی، تنظیم احساسات و همدلی می‌شود. افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، بهتر قادرند احساسات خود و شریک زندگی‌شان را درک کنند که این امر به ارتباط مؤثرتر و حل تعارضات کمک می‌کند. این آگاهی هیجانی باعث ارتقای درک متقابل، اعتماد و نزدیکی عاطفی می‌شود که منجر به رضایت بیشتر در روابط زوجین می‌شود. علاوه بر این، افرادی که هوش هیجانی قوی‌تری دارند، تمایل دارند که با آرامش و همدلی به تعارضات واکنش نشان دهند که احتمال بروز مشاجرات مخرب را کاهش می‌دهد (اسمیت، ۲۰۰۸؛ ژاردین و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، هوش هیجانی به‌طور مستقیم به کیفیت روابط زوجین از طریق تسهیل تبادلات عاطفی مثبت و کاهش استرس‌های رابطه‌ای کمک می‌کند.

همچنین نتایج نشان داد که هوش هیجانی به‌طور مثبت و معناداری با مهارت‌های حل مسئله مرتبط است. این یافته با مطالعات پیشین هم‌راستا بوده و نقش تعیین‌کننده هوش هیجانی در بهبود فرایندهای حل مسئله را برجسته می‌کند برای مثال هس و باسیگالوپو (۲۰۱۴) نشان دادند که هوش هیجانی نقش حیاتی در بهبود فرایندهای حل مسئله از طریق افزایش آگاهی و تنظیم هیجانی ایفا می‌کند، عواملی که برای تصمیم‌گیری مؤثر ضروری هستند. افرادی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، هنگام مواجهه با چالش‌ها، توانایی بیشتری در مدیریت احساسات خود دارند و به‌جای واکنش‌های تکانشی یا هیجانی، به دنبال

راه‌حل‌های سازنده و مؤثر می‌روند. این مهارت می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های منطقی‌تر، کاهش تعارضات و افزایش توانایی مواجهه با مشکلات پیچیده نقش مهمی ایفا کند. هوش هیجانی نه تنها افراد را در شناسایی و درک احساسات خود و دیگران یاری می‌دهد، بلکه آن‌ها را قادر می‌سازد تا از این آگاهی برای تنظیم رفتارهای خود و یافتن راه‌حل‌های مناسب استفاده کنند (شکامبی، ترسکا، ۲۰۲۴).

از دیگر نتایج برجسته این پژوهش، رابطه مثبت و معنادار بین مهارت‌های حل مسئله و کیفیت روابط زوجین بود. این یافته، هم‌سو با پژوهش‌های پیشین اهمیت مهارت‌های حل مسئله را به عنوان یکی از عوامل اساسی در بهبود کیفیت روابط زوجین تأیید می‌کند (لیهی و همکاران، ۲۰۲۳؛ ماندال و لیپ، ۲۰۲۲). زوج‌هایی که از راهبردهای مؤثر و سازنده در مواجهه با مشکلات خود استفاده می‌کنند، اغلب روابطی با سطح بالاتری از اعتماد، صمیمیت و رضایت تجربه می‌کنند. این نتیجه تأکید می‌کند که استراتژی‌های حل مسئله مشارکتی، مانند گفت‌وگوی باز، شنیدن فعال و جستجوی راه‌حل‌های دوطرفه، می‌توانند به کاهش استرس ناشی از تعارضات و تقویت رابطه عاطفی کمک کنند. در مقابل، استفاده از راهبردهای ناکارآمد مانند اجتناب یا واکنش‌های هیجانی می‌تواند تعارضات را تشدید کرده و کیفیت روابط زوجین را کاهش دهد (بیکر و مک‌نالتی، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که مهارت‌های حل مسئله نقش میانجی مؤثری در رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین ایفا می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که هوش هیجانی علاوه بر داشتن رابطه مستقیم با کیفیت روابط زوجین، از طریق مهارت‌های حل مسئله نیز به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت روابط زوجین تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، با ورود متغیر حل مسئله به مدل، ارتباط مستقیم بین هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین به‌طور کامل توسط اثر غیرمستقیم تبیین شد. افرادی با هوش هیجانی بالا توانایی بیشتری در مدیریت مؤثر احساسات خود در مواجهه با تعارضات دارند. این افراد معمولاً آرامش خود را حفظ کرده و به جای واکنش‌های شتاب‌زده یا هیجانی، به‌طور منطقی و خلاقانه به مشکلات پاسخ می‌دهند. توانایی استفاده از مهارت‌های حل مسئله مانند مذاکره، مصالحه و برقراری ارتباط سازنده، از طریق کاهش سوء تفاهم‌ها و اختلافات، فضای روابط زوجین را از تنش به تفاهم و حمایت متقابل تغییر می‌دهد (استولارسکی و همکاران، ۲۰۱۱). این یافته‌ها تأکید می‌کنند که مهارت‌های حل مسئله می‌توانند به عنوان یک سازوکار مهم عمل کرده و تأثیر مثبت هوش هیجانی بر کیفیت روابط زوجین را توضیح دهند. این نتیجه می‌تواند پیامدهای مهمی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های آموزشی زوجین داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مجموعه این یافته‌ها تأکید می‌کند که هوش هیجانی و مهارت‌های حل مسئله نقش حیاتی در ارتقای کیفیت روابط زوجین دارند. میانجی‌گری مهارت‌های حل مسئله میان هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین اهمیت تقویت این مهارت‌ها را نشان می‌دهد. از این رو، توصیه می‌شود که این مهارت‌ها به عنوان بخشی از مداخلات مشاوره‌ای زوجین، چه در حوزه پیشگیری و چه در حوزه درمان، مورد توجه قرار گیرند. آموزش این مهارت‌ها می‌تواند به زوجین کمک کند تا با ایجاد الگوهای ارتباطی مثبت‌تر و مؤثرتر، رابطه‌ای سالم‌تر و پایدارتر بسازند.

فهرست منابع

ابوالقاسمی و ابوالقاسمی. (۲۰۲۰). تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۳ (۴۸)، ۴۱-۵۷.

رضا کوهنوردلپوندانی (۱۳۹۷). رابطه سبک‌های حل مسئله و هوش هیجانی با رضایت زناشویی کارکنان ادارات آموزش و پرورش استان گیلان. *دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، دانشکده علوم انسانی*.

- مرضیه سادات پارسویی حقیقی (۱۳۹۷). پیش بینی کیفیت روابط زناشویی از طریق دینداری و هوش هیجانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم انسانی.
- نعمتی جهان، بنی سی، پریناز و وطن خواه. (۱۴۰۲). پیش بینی رضایت از زندگی بر اساس هوش هیجانی، هوش معنوی و سلامت روان زوجین. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۵)، ۳۹۷-۴۰۸.
- هادیان، صبا و امینی. (۱۳۹۸). پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متأهل دانشگاه آزاد همدان. *پژوهش نامه زنان*، ۱۰(۲۷)، ۱۷۹-۲۱۱.
- یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS). پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۰۰.

- Alonso Ferrés, M., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (۲۰۱۹). Couple conflict-facing responses from a gender perspective: Emotional intelligence as a differential pattern.
- Baker, L. R., & McNulty, J. K. (۲۰۲۰). The relationship problem solving (RePS) model: how partners influence one another to resolve relationship problems. *Personality and Social Psychology Review*, 24(۱), ۵۳-۷۷.
- Brackett, M. A., Warner, R. M., & Bosco, J. S. (۲۰۰۵). Emotional intelligence and relationship quality among couples. *Personal relationships*, 12(۲), ۱۹۷-۲۱۲.
- Busby, D. M., Crane, D. R., Larson, J. H., & Christensen, C. (۱۹۹۵). A revision of the Dyadic Adjustment Scale for use with distressed and non-distressed couples: Construct Hierarchy and multidimensional scale. *Journal of Marital and family therapy*, ۲۱, ۲۸۹-۳۰۸.
- Cassidy, K & Long B. (۱۹۹۶). *Gifts Differing: Understanding Personality type*. Palo Alto: Davis-Black Publishing.
- Deng, X., Chen, S., Li, X., Tan, C., Li, W., Zhong, C., ... & Ye, M. (۲۰۲۳). Gender differences in empathy, emotional intelligence and problem-solving ability among nursing students: A cross-sectional study. *Nurse Education Today*, 120, ۱۰۵۶۴۹.
- Hess, J. D., & Bacigalupo, A. C. (۲۰۱۴). Enhancing management problem-solving processes through the application of emotional intelligence skills. *Journal of Management Policies and Practices*, 2(۳), ۱-۱۷.
- Jardine, B. B., Vannier, S., & Voyer, D. (۲۰۲۲). Emotional intelligence and romantic relationship satisfaction: A systematic review and meta-analysis. *Personality and individual differences*, 196, ۱۱۱۷۱۳.
- Kenny, D.A. & Baron, R.M. (۱۹۸۶). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵۱(۱), ۱۱۷۳-۱۱۸۲.

Leahy, K. E., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., Oh, J., & Hardy, K. K. (2013). Optimism, relationship quality, and problem solving discussions: A daily diary study. *Journal of Social and Personal Relationships*, 40(2), 228-250.

Mandal, E., & Lip, M. (2012). Mindfulness, relationship quality, and conflict resolution strategies used by partners in close relationships. *Current Issues in Personality Psychology*, 10(2), 130-136.

Pollock, B. E., Khaddouma, A., Huet-Cox, K., Fillauer, J. P., & Bolden, J. (2014). Emotional intelligence, relationship satisfaction, and the moderating effect of ADHD symptomatology. *Journal of Adult Development*, 24, 10-21.

Schutte, N. S., Malouff, J. M., Bobik, C., Coston, T. D., Greeson, C., Jedlicka, C., ... & Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *The Journal of social psychology*, 141(2), 223-236.

Schutte, N.S.; Malouff, J.M.; Hall, L.E.; Haggerty, D.J.; Cooper, J.T.; Golden, C.J. & Dornheim, L. (1998). "Development and validation of a measure of emotional intelligence". *Personality and Individual Differences*, 25: 167-177.

Shkëmbi, F., & Treska, V. (2014). The Influence of Emotional Intelligence in the Choice of Conflict Resolution Strategy. *International Research Journal of Multidisciplinary Scope*. <https://doi.org/10.57807/irjms.2014.v5i1.111>.

Sidhu, A., Bhalla, P., & Ali, I. S. S. (2019). Impact of emotional intelligence on quality of romantic relationships: Review research. *International Journal of Recent Technology and Engineering (IJRTE)*, 7, 1774-1779.

Smith, L., Heaven, P. C., & Ciarrochi, J. (2008). Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 44(6), 1314-1320.

Stolarski, M., Postek, S., & Śmieja-Nęcka, M. (2011). Emotional intelligence and conflict resolution strategies in romantic heterosexual couples. *Studia Psychologiczne*, 49(2).

Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Ullman, J. B. (2013). Using multivariate statistics (Vol. 6, pp. 497-516). Boston, MA: Pearson.

Ulloa, E. C., Hammett, J. F., Meda, N. A., & Rubalcaba, S. J. (2014). Empathy and romantic relationship quality among cohabitating couples: An actor-partner interdependence model. *The Family Journal*, 25(3), 208-214.